نیم نگاهی به وکالت در عصر امام حسن عسکری

<"xml encoding="UTF-8?>

شرایط خاص سیاسی ـ اجتماعی عصر امام (ع)

امام حسن عسکری (ع)، یازدهمین امام شیعیان در سال 232 هـ. ق در مدینه به دنیا آمد. 1 دوران زندگانی این بزرگوار، هم زمان با حکومت عباسیان بود؛ حکومتی که ظلم و ستم به مردم و آشفتگی در اوضاع سیاسی ـ اجتماعی از ویژگی های اصلی آن به شمار می آمد؛ زیرا خلفای عباسی، مانند خلفای بنی امیه و بلکه بدتر از آنان ستمگری و خودکامگی را شیوه و روش حکومتی خود قرار داده بودند. تسلط ترکان بر خلیفه و حکومت و قیام هایی که بر ضد حکومت صورت می گرفت نیز، سامراء، مقر حکومت عباسیان را دچار مشکلات فراوانی کرده بود. امام حسن عسکری (ع) با منتقل شدن پدر بزرگوارشان توسط حکومت به سامراء، به این شهر وارد شدند و به علت سکونت در محله ای از این شهر که به عسکر مشهور بود، به «عسكري» شهرت یافتند. 2

اعمال فشار بر امامان شیعه و نظارت دقیق بر رفت و آمدها و زندگی شخصی ایشان، در زمان امام حسن عسکری (ع) به اوج خود رسیده بود که این امر چند علت داشت:

1. تبدیل شیعه به یک قدرت عظیم و مخالف حکومت و عدم مشروعیت حکومت عباسیان و در پی آن، ترس از ایجاد حرکت های انقلابی به رهبری امامان شیعه.

2. دست یابی به مهدی موعود (عج) و از بین بردن ایشان (با علم به اینکه مهدی موعود (عج) که نابود کننده حکومت های خودکامه است، از نسل امام حسن عسکری (ع) است). 3

3. ایجاد فاصله میان مردم و اهل بیت (ع) (جانشینان واقعی پیامبر (ص) به خاطر استمرار تسلطشان بر مردم. 4

کنترل و نظارت همه جانبه از طرف حکومت، بر امام به اندازه ای بود که امام مجبور بود، هر دوشنبه و پنج شنبه در دربار حضور یابد. 5 همچنین حضرت در طول امامت شش ساله شان، چندین بار توسط خلفای عباسی زندانی شد که گزارش آن ها در کتب مربوطه آمده است. 6 خلفای عباسی نیز گاه جسارت را به اندازه ای می رساندند که دستور قتل حضرت را صادر می کردند. ابن شهرآشوب در این رابطه آورده است: «معتز به سعید حاجب دستور داد که ابامحمد را به سمت کوفه ببر و در بین راه گردنش را بزن» .

راوی در ادامه می گوید: «نامه ای از امام به ما رسید که در آن آمده بود: «آنچه را که شنیدید، به وقوع نخواهد پیوست» و معتز بعد از سه روز از خلافت خلع شد و به قتل رسید» . 7

نیم نگاهی به تاریخ زندگی امام (ع)، بیانگر آن است که در مقطعی از دوران زندگانی ایشان امکان دیدار مستقیم میسر نبوده و مردم تنها در مجامع عمومی امام را می دیدند، بدون اینکه بتوانند ابراز احساساتی داشته باشند؛ علی بن جعفر از حلبی نقل می کند: «در یکی از روزها که قرار بود امام به دارالخلافه برود، ما در عسکر به انتظار دیدار وی جمع شدیم. در این حال از سوی آن حضرت توقیعی به این مضمون به دست ما رسید: «ألا يسَلِمَنَّ عَلى أحدٌ ولايشيرُ إلى بيده و لا يؤمى فإنكم لاتؤمنون على أنفسكم؛ کسی بر من سلام و حتی به طرف من اشاره هم

نکند؛ زیرا در امان نیستید» . 8
این دستور امام در حقیقت دستور به تقیه از سوی شیعیان بود تا حضرت به این وسیله بتواند از شیعیان خود پاسداری کند و آن ها شناخته و در دام هلاکت حکومت گرفتار نشوند؛ زیرا حرکت های غیر اصولی، خطر بزرگی برای نهضتی مانند نهضت شیعه در آن زمان بود و امکان داشت بود آنان را به سمت نابودی پیش برد؛ بنابراین امام با ایجاد رابطه های تشکیلاتی، مکاتباتی و تدابیر امنیتی، یاران و شیعیان خود را هدایت می کرد. در روایتی از احمدبن اسحاق آمده است:
«به حضور امام رسیدم و از ایشان درخواست کردم چیزی بنویسد تا من خط او را ببینم که اگر نامه ای از او رسید، خطش را بشناسم. امام فرمود: خط من گاهی با قلم باریک و گاهی با قلم پهن است، اگر چنین تفاوتی مشاهده کردی، نگران نباش» . 9
با توجه به اوضاع سیاسی ـ اجتماعی دوران امام حسن عسکری (ع) می توان دلایل وجوب نظام وکالت در آن دوران را این گونه بیان کرد:
1. وجود فشارهای شدید بر حضرت و عدم امکان ارتباط آزاد و مستقیم با شیعیان.
2. لزوم ارتباط میان امام و شیعیان برای ارشاد و هدایت جامعه.
3. گستردگی جهان اسلام و پراکندگی شیعیان در عراق، حجاز، ایران، یمن و مصر و عدم دسترسی به آن حضرت.

سابقه پیدایش نظام وکالتی

وجود نظام وکالت به قبل از دوران امامت حسن عسکری (ع) باز می گردد. در حقیقت با شروع کنترل روابط امامان معصوم (ع) و محصور شدن ایشان توسط دستگاه حکومتی، روش نوین ارتباطی وکالت و نظام نمایندگان توسط امامان معصوم (ع) ایجاد شد. برای مثال در زمان امام جواد (ع) کارگزاران ایشان در مناطق سیستان، بست، ری، کوفه و قم فعالیت داشتند. 10 امام هادی (ع) نیز وکلایی را در مناطق و شهرهای مختلف منصوب کردند که از مهم ترین آن ها، علی بن مهزیار و ابراهیم بن محمد همدانی بودند. برخی از وکلای امام در بغداد، مدائن، کوفه و. . . زیر شکنجه به شهادت رسیدند و عده ای دیگر زندانی شدند. 11
پس از شهادت امام هادی (ع) و به امامت رسیدن امام حسن عسکری (ع)، نظام وکالتی همچنان به فعالیت خود ادامه داد و با توجه به گسترش و پراکندگی شیعیان در شهرهای گوناگون، به خصوص مناطقی همچون نیشابور، بیهق، کاشان، ری و قم ارتباط منظم و دقیقی مورد نیاز بود تا خیل عظیم شیعیان، رهبری و هدایت شوند. به گواهی اسناد و شواهد تاریخی، امام (ع) نمایندگانی را از میان چهره های درخشان و برجسته شیعیان انتخاب و در مناطق متعدد منصوب کرد.

اهداف ایجاد نظام وکالتی

امامان معصوم (ع) با ایجاد نظام وکالتی، اهداف والایی را دنبال می کردند که بسیاری از این اهداف (با توجه به شرایط خاص آن دوران) در غیر نظام وکالت قابل دست یابی نبود که برخی از این اهداف عبارتند از:
1. حراست از نظام تشیع
از مهم ترین اهداف این سیستم ارتباطی، محافظت و حراست از شیعیان و حفظ نظام تشیع بود؛ زیرا شیعیان در مناطق مختلفی گسترده شده بودند و امام از ارتباط علنی با آن ها معذور بود. اگر این نوع ارتباط سرّی توسط وکلا

و نمایندگان امام برقرار نمی شد، به طور حتم هر روز بر ضعف شیعیان افزوده می شد که این امر، خطر انحطاط جامعه شیعی را در پی داشت؛ بنابراین نظام وکالت بهترین راه برای پیوند شیعیان با امامان معصوم (ع) و یا به تعبیر دیگر حلقه وصل میان امامان معصوم (ع) و شیعیانشان بود که مهم ترین ثمره این اتصال، محافظت از شیعه و جلوگیری از تجزیه جامعه شیعی بود.

2. وصول واجبات مالی

یکی از وظایف وکلا، جمع آوری خمس، زکات، نذورات و. . . و در مجموع واجبات مالی شیعیان و رساندن آن ها به امامان معصوم (ع) بود. جمع آوری این اموال، اهمیت به سزایی در تقویت و تحکیم وضعیت اقتصادی تشیع داشت و امام (ع) از این اموال برای رسیدگی به اوضاع شیعیان بهره می برد. در روایات بسیاری از کمک های مالی امام حسن عسکری (ع) به فقرا و مستمندان شیعه سخن به میان آمده است که از این اموال جمع آوری شده، تأمین می شد. در نامه ای که امام حسن عسکری (ع) به «عبدالله بن حمدویه بیهقي» نوشته، آمده است:

«من ابراهیم بن عبده را برای دریافت حقوق مالی آن سامان و ناحیه شما منصوب کردم و او را وکیل، امین و مورد اعتماد خویش نزد پیروان خود قرار دادم. تقوا در پیش بگیرید و مراقب باشید، وجوه مالی را بپردازید که هیچ کس در تأخیر و ترک پرداخت آن معذور نیست» . 12

ابراهیم بن مهزیار اهوازی نیز یکی از وکلای امام بود که اموالی نزد او جمع آوری شده و موفق نشده بود که آن ها را تحویل دهد. پس از شهادت حضرت و هنگامی که ابراهیم بیمار شد، به فرزندش محمد وصیت کرد که آن اموال را به محضر حضرت صاحب الزمان (عج) برساند. او نیز این مأموریت را انجام داد و به جای پدرش به نمایندگی امام دوازدهم منصوب گردید. 13

3. گسترش آموزه های شیعیه در قالب کلام و حدیث

وکلای ائمه (ع) بیشتر به وسیله نامه و توسط افراد مطمئن با ایشان در ارتباط بودند. در طی این نامه ها بخش عمده ای از معارف فقهی و کلامی آن بزرگواران به شیعیان می رسید و گاه سؤالات و معضلات آن ها را برطرف می ساخت. طولانی ترین آن ها یکی از توقیعات امام حسن عسکری (ع) به اسحاق بن اسماعیل نیشابوری است که سراسر پندهای اخلاقی و رهنمودهای با ارزش است. امام در آغاز نامه پس از مقدمه ای طولانی درباره اهمیت هدایت الهی از طریق اوصیا و اینکه ائمه (ع) ابواب علم الهی هستند، آیه (الْيَوْمَ أَكمَلْتُ لَكمْ دينَكمْ) را دلیل و منت خدا بر انتخاب آنان از جهت هدایت مردم برشمرده است. 14

به برکت وجود نظام وکالت و نامه هایی که میان امامان معصوم (ع) و شیعیان رد و بدل می شد، به سؤالات بسیاری توسط امامان جواب داده می شد. از طرفی نیز به دلیل نظارت زیادی بر امامان از سوی حکومت، آن ها نمی توانستند مواضع سیاسی خود را به طور صریح بیان کنند؛ از این رو وکلا این نقش را به عهده می گرفتند و نظرات سیاسی و مواضع ایشان در مقابل حکومت جور را به گوش شیعیان می رساندند.

4. دفع افکار انحرافی از بین شیعیان

نفوذ واقفیه، غالیان، زنادقه و سایر افکار انحرافی در میان شیعیان، به ویژه مناطقی که به دور از محل زندگی امام بود، از طریق سیستم وکالت دفع می شد و این امر در حفظ اصالت فرهنگی شیعی و جلوگیری از آلودگی دیدگاه های آنان، نقش به سزایی داشت.

برای مثال، در مورد احمدبن هلال که عمری را در مصاحبت ائمه (ع) سپری کرده، اما در نهایت به صوفیه گرایش پیدا کرده بود، توقیعاتی از سوی امام عسکری (ع) صادر گردید و حضرت به وکلای خود در عراق نوشت: «إحذروا

الصوفی المتصنّع؛ از صوفی ریاکار دوری کنید» . برخی از شیعیان به دلیل شدت اعتمادشان به احمد، در صحت توقیع به تردید افتادند، اما امام نامه مفصل تری خطاب به شیعیان نوشته و خطاهای او را که عمده ترین آن ها بی اعتنایی به دستورات امام و خودرأی بودن در مقابل حضرتش بود، برشمرد. 15

5. ایجاد آمادگی در جامعه شیعی برای آغاز غیبت صغری

با نزدیک تر شدن امامت حضرت ولی عصر (عج) و آغاز غیبت صغری، نقش سیستم ارتباطی وکالت پررنگ تر و بر اهمیتش افزوده می شد؛ زیرا در دوران غیبت، امکان دیدن امام برای شیعیان وجود نداشت و تنها راه ارتباطی شیعیان با امام معصوم (ع)، نمایندگان و وکلا بودند. بنابراین باید ائمه اطهار (ع) با اعتماد به افراد ثقه و مورد اطمینان خویش و ایجاد ارتباط میان این افراد و شیعیان، چنین سیستمی را ایجاد می کردند تا اعتماد جامعه شیعی نیز به آن جلب شود. تأسیس چنین نظامی به صورت ناگهانی و در دوران غیبت ناممکن بود و ثمره ای نداشت؛ از این رو این نظام باید از سالیان قبل ایجاد می شد و شایستگی خود را در امر نمایندگی و وکالت به اثبات می رسانید. 16

6. استفاده از وکلا برای معرفی حضرت ولی عصر (عج) به شیعیان

در اثر فشارهای سیاسی و اختناق شدیدی که از سوی حکمرانان عباسی اعمال می شد، موضوع جانشینی پس از امام عسکری (ع) در هاله ای از ابهام قرار داشت. امام (ع) در فرصت های مناسب تلاش می کرد تا شیعیان را با جانشین خویش آشنا کرده و زمینه امامت حضرت ولی عصر (عج) را آماده نماید؛ در همین راستا، امام (ع) از وجود وکلا و نمایندگان خویش بهره برد و مسئولیت معرفی فرزند خویش به شیعیان را به آن ها سپرد.

احمدبن اسحاق اشعری، وکیل تام الاختیار امام در شهر قم، از سوی شیعیان مورد سؤال قرار می گرفت و شیعیان برای شناخت جانشین امام حسن عسکری (ع) به او رجوع می کردند. او برای اینکه در این مورد اطلاع بیشتری کسب کند و جانشین حضرت را با چشم خود ببیند، عزم سفر کرد و در شهر سامرا به محضر حضرت عسکری (ع) شرفیاب شد. قبل از اینکه لب به سخن بگشاید و در مورد جانشین آن حضرت سؤال کند، امام حسن عسکری (ع) فرمود:

«ای احمدبن اسحاق، خداوند متعال از اول خلقت عالم تا امروز زمین را خالی از حجت قرار نداده است و تا قیامت هم خالی نخواهد گذاشت؛ حجتی که به واسطه او گرفتاری ها را از اهل زمین دفع می کند و به سبب او باران نازل می شود و به میمنت وجودی وی، برکات نهفته در دل زمین را آشکار می سازد» .

احمد پرسید: یابن رسول الله! حجت خدا پس از شما کیست؟ حضرت به درون خانه رفت و لحظه ای بعد کودکی سه ساله را که رخسارش همچون ماه شب چهارده می درخشید، در آغوش گرفته و بیرون آورد و گفت:

«ای احمدبن اسحاق! اگر در نزد خداوند متعال و ائمه اطهار مقامی والا نداشتی، فرزندم را به تو نشان نمی دادم. این کودک هم نام و هم کنیه رسول خدا و هم اوست که زمین را بعد از آنکه از ظلم مملو گردید، پر از عدل خواهد کرد» .

احمد از امام پرسید: سرورم! آیا نشانه ای هست که مطمئن شوم، این کودک همان قائم آل محمد (ص) است؟ در این هنگام کودک لب به سخن گشود و گفت:

«أنا بقیة الله فی أرضه و المنتقم من أعدائه فلا تطلب أثراً بعد عَینٍ یا أحمدبن إسحاق؛ من آخرین حجت خدا در زمین و انتقام گیرنده از دشمنان او هستم. ای احمدبن اسحاق! وقتی حقیقتی را با چشم خود دیدی، دیگر نشانه ای مخواه» . 17

نظارت بر عملکرد وکلا

الف) تأیید و توثیق وکلا از طرف امام

گاه امام برای تقویت و تثبیت موقعیت وکلا و روشن ساختن محدوده فعالیت های آن ها، نامه هایی را ارسال می کردند و موقعیت آن ها را به شیعیان یادآوری می نمودند. در نامه ای از امام حسن عسکری (ع) به عبدالله بن حمدویه آمده است:

«من ابراهیم بن عبده را بر شما نصب کردم تا اهالی آن نواحی و ناحیه شما حقوق واجب ما را به او بپردازند. من او را امین خود برای دوستانم در آن نواحی قرار دادم» . 18

گویا بعضی شیعیان درباره اصالت و صحت خط امام (ع) درباره ابراهیم دچار تردید شدند که به دنبال آن، امام (ع) نامه ای به این شرح نوشت: «نامه ای که در آن ابراهیم به عنوان وکیل من، تعیین و به وی مأموریت أخذ حقوق من از دوستانم داده شده است، از خود من است و آن را به خط خود نوشته ام. من او را در شهر خودشان به حق منصوب کردم. از خدا بترسید. . . » . 19

ب) طرد بعضی از وکلا توسط امام

با آنکه امامان معصوم (ع) در تعیین و نصب وکلا و نمایندگان خود، احراز شرایطی همچون وثاقت، رازداری و غیر آن را لازم می دیدند، اما برخی از آنان در صحنه امتحانات الهی شکست خورده و راه خیانت و انحراف را پیشه خود ساختند و گاه آنچنان بر انحراف و فساد خود اصرار می ورزیدند که مشمول لعن و نفرین ائمه (ع) واقع می شدند. یکی از این افراد «عروه بن یحیي» معروف به دهقان از وکلای بغداد بود که توسط امام (ع) توثیق و پس از ابوعلی بن راشد، مسئول خزانه امام (ع) شده بود. تجمع اموال که گاه به مبالغ هنگفتی می رسید، موجب تحریک مال دوستی و دنیاطلبی او شد؛ به طوری که بخشی از آن اموال را برای خود برداشت و بخشی دیگر را برای به خشم درآوردن امام (ع) به آتش کشید و خود را مشمول خسران ابدی ساخت. 20

نظارت بر اعمال وکلا از سوی امامان (ع) به این دلیل بود که برخی از نمایندگان، در زمینه انتقال نظرات و مواضع سیاسی امامان به شیعیان و در مسائل مبارزاتی فعالیت می کردند؛ پس باید کاملاً مورد اعتماد و رازدار و محرم اسرار باشند.

معرفی برخی از وکلای امام حسن عسکری (ع)

به علت وسعت مناطق شیعی نشین در عصر امام حسن عسکری (ع)، ایشان نمایندگان متعددی در مناطق مختلف داشتند که اسامی و شرح احوال آن ها در کتب رجالی آمده است و عموم این افراد، مورد اعتماد و با تقوا بودند. برخی از این افراد که نسبت به بقیه وکلا برجسته تر بودند؛ عبارتند از:

1. احمدبن اسحاق قمی اشعری

احمدبن اسحاق، علاوه بر امام حسن عسکری (ع) با دیگر امامان معصوم (ع) نیز همنشین بوده است و از یاران راستین امام جواد (ع)، امام هادی (ع) به شمار می آید. او محدثی جلیل القدر، فقیهی پرهیزکار و نماینده و مورد اعتماد امام حسن عسکری (ع) در شهر قم بود و بارها برای تحصیل دانش و کسب فیض از محضر ائمه هدی (ع) به سامرا و حجاز مسافرت نمود که در کتب رجالی نیز از او با عنوان «کان وافد القمیین» یاد شده است و امام حسن عسکری (ع) به خاطر مقام والای وی نزد خداوند و ائمه اطهار (ع)، فرزند بزرگوارش حضرت حجت

(عج) را به وی معرفی نمود.
شاهد دیگر بر شأن و منزلت وی، جریان رحلتش می باشد که در کتاب منتهی الآمال آمده است. شیخ صدوق در کمال الدین، حدیثی از سیوطی نقل کرده که در آن آمده است: احمد در سر من رأی از حضرت امام حسن عسکری (ع) پارچه ای خواست به جهت کفن خود؛ پس حضرت سیزده درهم به او داد و فرمود: «این را خرج مکن، مگر برای مصارف نفس خودت و آنچه خواستی به تو می رسد» . شیخ جلیل سعدبن عبدالله، راوی خبر می گوید: چون از خدمت مولای خود مراجعت کردیم و به سه فرسخی حلوان (پل ذهاب) رسیدیم، احمدبن اسحاق تب کرد و سخت ناخوش شد که ما از او مأیوس شدیم. چون وارد حلوان شدیم، در کاروانسرایی منزل کردیم و احمد فرمود: مرا امشب تنها گذارید و به منازل خود روید. هر کس به منزل خود رفت. نزدیک صبح در فکر افتادم، پس چشم باز کردم که ناگاه کافور، خادم مولای خود أبی محمد را دیدم که می گوید: «فأحسن الله بالخیر عزاکم و جبر بالمحبوب رزیتکم» ؛ از غسل و کفن صاحب شما یعنی احمد فارغ شدیم. پس برخیزید و او را دفن کنید؛ پس به درستی که او عزیزترین شماهاست، به جهت قرب به خداوند در نزد آقای شما. سپس از چشم ما غائب شد. 21
2. عثمان بن سعید عَمری
در میان وکلای امام (ع)، سلسله مراتب وجود داشت. عثمان بن سعید مشهور به سمّان در رأس این سلسله قرار داشت و بقیه نمایندگان موظف بودند به وی مراجعه کنند. او شأن و مقام والایی داشت که بعدها نیز به نیابت خاص در غیبت صغری رسید. او به تجارت روغن مشغول بود تا از آن به عنوان سرپوشی برای کار اصلی خود، یعنی وکالت بهره بگیرد و به خاطر همین شغلش به سمّان معروف شده بود. هنگامی که مالی از شیعیان به او می رسید، آن را در ظرف روغن جاسازی می کرد و پنهانی نزد امام (ع) می فرستاد. 22
شیخ طوسی در کتاب الغیبه آورده است که محمدبن اسماعیل حسنی و علی بن عبدالله حسنی برایم حدیث کردند که در سامرا به حضور امام حسن عسکری (ع) رسیدیم. گروهی از دوستداران و شیعیان آن حضرت حضور داشتند. خدمتکار حضرت به خدمت ایشان رسید و گفت: سرورم گروهی پریشان حال پشت در هستند. حضرت به او فرمود: «اینان گروهی از شیعیان ما از یمن هستند. حال برو و عثمان بن سعید عمری را نزد ما بیاور» . طولی نکشید که عثمان وارد شد و امام حسن عسکری (ع) به او فرمود: «عثمان تو وکیل هستی، در مورد مال الله و مورد اعتماد و امین هستي. برو و اموالی را که این گروه یمنی با خود آورده اند، از ایشان بگیر» . آن گاه همگی گفتیم: سرور ما! به خدا سوگند که عثمان از نیکان شیعیان شماست و از اینکه نقش او را برایمان گفتید و اینکه وکیل و مورد اعتماد شماست، سپاسگزاریم.
حضرت فرمود: «آری و حال شهادت دهید که عثمان بن سعید وکیل من است و فرزندش محمد نیز وکیل فرزندم مهدی خواهد بود» . 23
در مجموع می توان گفت، وظیفه اصلی و خطیر امامان شیعه (ع)، رهبری و هدایت امت پیامبر (ص) می باشد که با توجه به شرایط و مقتضیات زمان، شیوه رهبری می تواند با زمان های دیگر متفاوت باشد. در عصر امام حسن عسکری (ع) بهترین روش برای هدایت امت اسلام و حفاظت از نظام تشیع و هماهنگ کردن فضای جامعه با شرایط عصر غیبت، استفاده از سیستم ارتباطی غیر مستقیم و بهره گیری از نمایندگان بود که شاید بتوان گفت، مهم ترین دستاورد آن، ایجاد اعتماد در میان جامعه شیعی برای پذیرفتن نظام وکالتی بود تا جامعه آماده پذیرش غیبت صغری و ارتباط از طریق نمایندگان و نواب باشد.

پی نوشت ها :

1. بحارالانوار، ج 50، ص 235.
2. اعلام الوری بأعلام الهدی، فضل بن الحسن طبرسی، ج 2، ص 131.
3. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، ص 632.
4. اعلام الهدایه، ج 13، ص 106.
5. مناقب آل ابی طالب، ابن شهرآشوب، ج 4، ص 434.
6. کشف الغمه، ج 4، ص 78.
7. مناقب آل ابی طالب، همان، ص 432.
8. بحارالانوار، ج 50، ص 269.
9. اصول کافی، ج 2، ص 448.
10. همان، ج 1، ص 548.
11. رجال کشی، ص 603 و 607.
12. همان، ص 482.
13. اصول کافی، ج 2، ص 456.
14. رجال کشی، ص 481.
15. همان، ص 535 و 536.
16. اعلام الهدایه، همان، ص 163.
17. بحارالانوار، ج 52، ص 23.
18. رجال کشی، ص 580.
19. همان.
20. همان، ص 513 و 514.
21. رجال نجاشی، ص 61.
22. منتهی الآمال، ج 2، ص 551.
23. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان، ص 552.